نگاه بیرون

عصر جدید نخبگان جهان‌گرای آمریکایی

ترجمه: جمال دادخواه

THE NATIONAL INTEREST

درحالی‌که بیش از دوماه تا تشکیل کنگره حزبی برای تعیین نامزد ریاست‌جمهوری ایالات متحده آمریکا باقی مانده، تکلیف رقابت‌های درون‌حزبی جمهوری‌خواه‌ها تا حدودی مشخص شد و اکنون «دونالد ترامپ» تنها نامزد باقی‌مانده این حزب است. بنابراین اگر در زمان باقی‌مانده اتفاق خاصی رخ ندهد، او نامزد نهایی جمهوری‌خواهان خواهد بود. در طرف دیگر اما وضعیت دموکرات‌ها به قطعیت حزب رقیب نیست و «برنی سندرز» همچنان در کورس رقابت باقی مانده و قول داده تا روز تشکیل مجمع حزبی در فیلادلفیا به مبارزه ادامه دهد. اما با وجود عملکرد خوب، به نظر می‌آید که سازوکارهای انتخاباتی حزب دموکرات مانع از دستیابی سندرز به نامزدی حزب شوند و کلینتون نامزد نهایی خواهد بود. پس تا روز انتخابات عمومی در نوامبر قاعدتا شاهد تحلیل‌های بی‌شماری خواهیم بود که تقابل ترامپ و کلینتون را از دریچه‌های مختلف بررسی خواهند کرد. «رابرت مری»، یکی از تحلیلگران آمریکایی، در مقاله‌ای به رقابت بین کلینتون و ترامپ، به‌عنوان خط گسلی بین جهان‌گرایان (Globalists) و ملی‌گرایان (Nationalists) نگاه کرده و در این راستا پنج مصداق این خط گسل مهاجرت، سیاست خارجی، تجارت، تصحیح سیاسی و میراث فرهنگی را بررسی می‌کند.

ملی‌گرایی دربرابر جهان‌گرایی

مفسران و کارشناسان گسل‌های سیاسی بسیاری را در رقابت بین دونالد ترامپ و هیلاری کلینتون برمی‌شمرند، از جمله زنان در برابر ترامپ، اونجلیکال‌ها در برابر هیلاری، اسپانیایی‌ها در برابر آمریکایی‌های سفیدپوست طبقه کارگر، جامعه همجنس‌گرایان در برابر سنتی‌ها و پیرها در برابر جوانان. تمامی این دوئل‌ها در جای خود مهم‌اند اما کشش بالایی ندارند. لازمه درک صحیح این انتخابات، درک خط گسل سیاسی بسیار بزرگی است که در حال کشاندن آمریکا به دوره‌ای از کشمکش‌های جدی سیاسی است. این خط گسل، تقابل ملی‌گرایان در برابر جهان‌گرایان است. جهان‌گرایان از گذشته‌ای دور تاکنون، بخش وسیعی از جامعه آمریکایی را از طریق دراختیارگرفتن نهادهای نخبگی کشور در دست گرفته‌اند؛ نهادهایی مانند رسانه، فضای دانشگاهی، شرکت‌های بزرگ، قدرت‌های مالی بزرگ، هالیوود، اتاق‌های فکر، سازمان‌های غیردولتی و بنیادهای خیریه. این نهادها چنان قدرتمندند که نخبگان حاضر در رأس آنها گمان کردند، پیروزی‌شان قطعی و نهایی است. به همین دلیل است که در سال‌های اخیر شاهد افزایش تکبر سیاسی و اجتماعی این گروه بوده‌ایم. اینجاست که دونالد ترامپ به میدان می‌آید و تمامی معادلات را زیرورو می‌کند. تقریبا تمامی موضوعات اصلی که این سیاسی تازه‌کار و فوق‌ثروتمند به آن می‌پردازد، ضد جهان‌گرایی و در راستای ملی‌گرایی است و این مهم‌ترین عامل در صعود پیش‌بینی‌نشده ترامپ در ماه‌های اخیر بوده است.

سیاست‌خارجی

محرک جهان‌گرایان انگیزه‌های بشردوستانه است. برای آنها حقوق و سلامت مردم دنیا نسبت به مردم آمریکا از اهمیت بالاتری برخوردار است. جهان‌گرایان در راستای پیشبرد سیاست خارجی ماجراجویانه‌شان، رویدادهای مناطق دیگر جهان را به منافع آمریکا گره می‌زنند، اما درک این نکته ضروری است که تمامی این گره‌زدن‌ها در راستای انگیزه‌های جهان‌گرایانه آنها برای سلطه بر امور جهان صورت می‌گیرد. ملی‌گرایان اما اهمیتی به تسلط بر رویدادهای جهان نمی‌دهند. آنها می‌خواهند کشورشان قدرتمند بوده و قدرت نظامی بالایی داشته باشد، اما این مهم را بیشتر برای حفاظت از منافع ملی آمریکا می‌خواهند. ملی‌گرایان پیش از اقدام به ماجراجویی‌های خارجی، یک سؤال اساسی می‌پرسند: با توجه به هزینه‌های جانی و مالی پیش‌بینی‌شده، آیا منافع ملی، انجام این ماجراجویی را توجیه می‌کنند یا خیر؟ سرنوشت دیگر مردمانی که در سراسر جهان با سختی‌هایی هرچند طاقت‌فرسا مواجه اند، معمولا راهی در محاسبات ملی‌گرایان نمی‌یابد و این سرنوشت آمریکایی‌هاست که عامل تعیین‌کننده است.

تجارت

تاریخ تجارت در آمریکا، تحلیلی یک‌خطی را نمی‌پذیرد. برای مثال، «اندرو جکسون»، ملی‌گرایی تمام‌عیار و طرفدار تجارت آزاد بود و در طرفی دیگر، «ویلیام مک‌کینلی» آمریکا را بدل به قدرتی جهانی کرد اما طرفدار حمایت از صنایع داخلی بود. اما در زمانه ما، خط گسل کاملا مشخص است. جهان‌گرایان از گردش آزاد کالاها ورای مرزها حمایت می‌کنند، با این منطق که این گردش آزاد باعث بهبود تجارت جهانی به‌نفع تمامی مردم در تمامی کشورها می‌شود. «توماس فریدمن»، نویسنده و مفسر و یکی از پیشروان جهان‌گرایان نسل خود، آمریکا را به‌عنوان الگویی برای سرمایه‌داری بازار آزاد یکپارچه جهانی تحسین کرد. این تحسین او به پیش از بحران اقتصادی بازمی‌گردد. امروزه ملی‌گرایان آمریکا به تبعات جهان‌گرایی مدنظر فریدمن نگریسته و به این نتیجه رسیده‌اند که این نوع نگرش، هسته صنعتی آمریکا را از درون خالی کرده است. تمرکز ملی‌گرایان، صرف‌نظر از درستی یا نادرستی این نظرشان، روی درصد بالایی از شهروندان آمریکایی است که زندگی و معیشتشان صدمات جبران‌ناپذیری دیده است.

ادامه در صفحه ۹

در پی توسعه سپر دفاع موشکی ناتو، تنش بین مسکو و واشنگتن بالا گرفت

تقابل در کرانه شرقی

عکس: Reuters

همین شش روز پیش و درست مصادف با ۷۱امین سالگرد پیروزی قوای شوروی و متفقین بر فاشیست‌ها در جریان جنگ جهانی دوم بود که نشریه آمریکایی امنیت ملی مدعی شد فرماندهی نیروهای نظامی آن کشور در اروپا از این پس در تقابل با تهدیدهای شرقی که البته این روزها صرفا واژه‌ای گنگ برای اشاره به تهدیدات روسیه است، فقط یک نقشه راه پیش‌رو دارد: دست از تمرین و مانور برداشته و به حالت آماده‌باش جنگی وارد شود.

نویسندگان این مقاله البته خاطرنشان کرده بودند این به معنای آن نیست که رهبران آمریکایی درصدد آغاز جنگی مستقیم با روسیه برآمده‌اند، بلکه تحولات آتی در ساختار قوای نظامی ایالات متحده صرفا متوجه بازدارندگی مسکو و دفاع از شرکای اروپایی ناتو است که هر لحظه امکان دارد طعمه ماجراجویی‌هایی مشابه اوکراین شوند. مدعای نویسندگان آمریکایی حرف جدیدی نبود، اما آنچه دراین‌میان به این سخنان رنگ‌وبوی تازه‌ای بخشید، منازعات کلامی رهبران دو کشور در روزهای گذشته است که این‌بار جدی‌تر از همیشه از شکنندگی اوضاع در کرانه‌های شرقی قلمرو ناتو حکایت داشت. «ولادیمیر پوتین»، رئیس‌جمهوری روسیه و «باراک اوباما»، رئیس‌جمهوری ایالات متحده، در حالی در سخنانی جداگانه یکدیگر را به تشدید تحرکات ستیزه‌جویانه نظامی در شمال اروپا متهم کردند که گزارش‌ها حکایت از پیوستن لهستان به جمع کشورهای میزبان سپر دفاع موشکی ناتو داشتند؛ آن‌هم درست یک روز پس از آنکه رومانی کار استقرار یک سپر دفاع موشکی دیگر پنتاگون را آغاز کرده بود. درنتیجه جای تعجب نیست پوتین در دیدار با مقامات نظامی روسیه، توسعه برنامه دفاع موشکی ناتو به رهبری ایالات متحده را تهدیدی برای امنیت ملی و جهانی دانسته و وعده داده از هیچ اقدامی برای حفظ توازن راهبردی کنونی فروگذار نکند. رهبر کرملین ضمن اشاره به آنکه همین چند سال پیش، همتایان غربی او در اروپا و ایالات متحده همگی یک‌صدا مدعی بودند سامانه دفاع موشکی ناتو برای دفع تهدیدات احتمالی موشکی و هسته‌ای ایران ضروری است، اظهار کرد اکنون چنین تهدیدی پس از عقد توافق‌نامه هسته‌ای تهران با قدرت‌های جهانی از بین رفته، اما توسعه سامانه دفاع موشکی همچنان به قوت خود باقی است؛ واقعیتی که از منظر رئیس‌جمهوری روسیه، نشان از دروغ‌بودن مدعای ناتو و ماهیت غیرتدافعی این سامانه است.

پوتین که استقرار این سامانه را بخشی از برنامه راهبردی توانمندسازی اتمی آمریکا به منظور کسب برتری نظامی در شرق اروپا دانسته، تأکید کرده از همه توان خود برای پایان‌دهی به تهدیدات علیه امنیت ملی روسیه و حفظ و تثبیت توازن راهبردی کنونی که بهترین تضمین برای جلوگیری از بروز منازعات پردامنه نظامی است، استفاده خواهد کرد، اما هیچ‌گاه اجازه نخواهد داد کشورش وارد یک مسابقه تسلیحاتی دیگر شود. «سرگئی لاوروف»، وزیر خارجه روسیه، نیز درباره سامانه موشکی آمریکا در اروپا گفت: آمریکایی‌ها درحالی‌که اعلام کرده بودند اگر درباره موضوع هسته‌ای ایران توافق شود، از استقرار سامانه موشکی منصرف می‌شوند، خلاف وعده داده‌شده، توانمندی خود را افزایش می‌دهند و اکنون موشک‌های جدیدی در شرق اروپا و نزدیک مرزهای روسیه مستقر می‌شود.

از سوی دیگر، باراک اوباما نیز که در کاخ سفید میزبان رهبران پنج کشور اسکاندیناوی بود، تنها ساعاتی پس از سخنان همتای روس خود، نسبت به افزایش حضور و قدرت نظامی مسکو در شمال اروپا هشدار داده و در بیانیه‌ای مشترک با رهبران دانمارک، نروژ، سوئد، ایسلند و فنلاند، از کرملین خواست اطمینان حاصل کند همه تحرکات نظامی‌اش در منطقه بالتیک و اسکاندیناوی مطابق با حقوق و الزامات بین‌المللی است. اوباما گفت: «ما به گفت‌وگوهای جاری ادامه می‌دهیم و در پی همکاری با روسیه هستیم اما همچنین می‌خواهیم از آمادگی و قدرت خود نیز مطمئن باشیم و می‌خواهیم روسیه را تشویق کنیم که فعالیت‌های نظامی خود را در انطباق کامل با تعهدات بین‌المللی نگه دارد».روابط بین غرب و روسیه از سال ۲۰۱۴ رو به وخامت رفته است؛ زمانی که مسکو شبه‌جزیره «کریمه» را در جنوب اوکراین پس از یک همه‌پرسی مناقشه‌برانگیز ضمیمه خاک خود کرد. در هفته‌های اخیر رویارویی‌های هوایی بین روسیه و آمریکا و هم‌پیمانانش به‌طور قابل‌توجهی بالا گرفته است؛ از جمله با نقض حریم هوایی، برخوردهای هوایی خیلی محتمل، رویارویی‌های نزدیک بین هواپیماهای جنگنده و ناوهای نظامی و یورش‌های هوایی صوری. مقام‌های آمریکایی می‌گویند این سپر دفاعی برای مقابله با تهدیدهای موشکی روسیه در آینده استفاده نمی‌شود. آنها دراین‌باره به موشک‌های بالستیک ایران اشاره کرده‌اند که می‌تواند بخش‌هایی از اروپا، ازجمله رومانی را بزند.

دو پایگاه دفاع موشکی «ردزیکوو» در شمال لهستان و «دوسلو» در جنوب رومانی فقط بخشی از برنامه جامع دفاع موشکی ناتو است که بناست تا پایان سال ۲۰۱۸ وارد فاز عملیاتی شوند. براساس گزارش‌های انتشاریافته، مقام‌های ناتو و پنتاگون قصد دارند ابتدا کار استقرار سامانه‌های دفاع موشکی خود در پایگاه دوسلو رومانی را تا آخر سال جاری میلادی کامل کنند؛ عملیاتی که با هزینه ۸۰۰میلیون دلار از اکتبر ۲۰۱۳ آغاز شده و بناست پس از استقرار رهگیرهای موشکی SM-۲، به‌طور رسمی در نشست ناتو که قرار است ماه جولای در ورشو برگزار شود، به سامانه سپر موشکی ناتو ملحق شود. سپس در سال ۲۰۱۸، دومین فاز این سامانه در لهستان را راه‌اندازی کنند. دراین‌میان، قرار است عملیات راه‌اندازی پایگاه دفاع موشکی ناتو در ردزیکوو لهستان نیز که فقط ۲۵۰ کیلومتر با کالینینگراد فاصله دارد، تا سال ۲۰۱۸ کامل شود. این ادعای «رابرت وورک»، معاون وزیر دفاع ایالات متحده، است که روز جمعه با حضور در مراسم کلنگ‌زنی این پایگاه، تأسیسات دفاع موشکی در لهستان را یکی از بزرگ‌ترین خدمات آمریکا به امنیت دفاعی ناتو دانسته و اظهار امیدواری کرد با راه‌اندازی این سامانه، هلال مرکزی و شمالی کشورهای عضو ناتو از همه تهدیدات موشکی و هسته‌ای مصون بمانند. این در حالی است که آمریکا می تواند افزون بر بررسی برنامه استقرار چهارهزار نظامی ناتو در لیتوانی، استونی و لتونی، سه کشور حوزه بالتیک، با برگزاری رزمایش در گرجستان و اعزام هم‌زمان جنگ‌افزارهای خود به مولداوی در قالب یک همکاری نظامی، حضور نظامی خود در پنج جمهوری سابق شوروی را تثبیت کند.

سیامک کاکایی، کارشناس مسائل ترکیه، در گفت‌وگو با «شرق»:

اردوغان به دنبال نخست‌وزیری مطیع است

ترکیه این روزها در فضای سیاسی داخل، وضعیت توأم با تهدیدی را متوجه خود می‌بیند. همان‌طور که پیش‌بینی می‌شد، اختلاف سلیقه یا همان اختلاف، فضا را به‌گونه‌ای مخدوش کرد که رئیس‌جمهوری باید نخست‌وزیری جدید تعیین کند. هرچند «رجب طیب اردوغان» هنوز هم به نظام ریاستی به‌طور جدی می‌اندیشد و این امید را دارد با کنارگذاشتن نظام پارلمانی، بازهم بی‌قیدوشرط خاصی حرف اول و آخر را هم در تصمیم‌گیری‌های داخلی و هم موضع‌گیری در فضای دیپلماسی را برعهده خود داشته باشد. به‌همین‌دلیل وقتی شبکه خبری المیادین برای اولین بار پرده را کنار زد و خبر کناره‌گیری «داوودداوغلو»، نخست‌وزیر ترکیه، را به طور رسمی منتشر کرد، این سؤال به طور جدی طرح شد که «باید منتظر ترکیه‌ای بر مبنای نگاه و تصمیم اردوغان باشیم»، به‌ویژه اینکه استعفای داوودداوغلو مهر تأییدی بود بر همه حرف‌وحدیث‌هایی که درباره اختلافش با رجب طیب اردوغان شنیده می‌شد. به‌هرحال، رئیس‌جمهوری ترکیه که این روزها برای تغییر نظام پارلمانی به ریاستی تلاش می‌کند، به طور آشکار در رفتارش چیزی غیر از «خودرأی»بودن نشان نمی‌دهد و بسیار طبیعی بود چهره‌ای مانند داوودداوغلو نتواند و نخواهد در چنین فضایی به‌عنوان نخست‌وزیر شناخته شود. «داوودداوغلو در ترکیه چهره‌ای تئوریسین است و از تئوری‌پردازان فضای سیاسی این کشور به شمار می‌رود، بنابراین در عمل سیاسی تلاش کرده و می‌کند بتواند یک رویه مستقلی البته هماهنگ با سیاست‌ها و نگاه حزبی را از خود به نمایش بگذارد». این کارشناس مسائل ترکیه بر این باور است که اردوغان کسی را به‌عنوان جانشین داوودداوغلو انتخاب می‌کند که بدون چون‌وچرا زمینه اجرائی‌شدن سیاست‌های یک‌جانبه او را فراهم کند. «سیامک کاکایی»، کارشناس مسائل ترکیه، ضمن طرح این اظهارات، به پرسش‌های «شرق» پاسخ می‌گوید.

«استعفای احمد داوودداوغلو مهر تأییدی بر تمامیت‌خواهی اردوغان» است. این نظریه را چقدر براساس واقعیت‌های رفتاری رئیس‌جمهوری ترکیه می‌دانید؟

اینکه گفته می‌شود اردوغان از نخست‌وزیرانش انتظار دارد سمعا و طاعتا باشند، ذهنیتی است که به‌طور جدی مطرح است. اما به‌طور مشخص درباره دلیل یا دلایل کناره‌گیری داوودداوغلو از ریاست بر دولت، باید گفت نوع مشی و نگرش شخص خودش باعث شده نتواند انتظارات رجب طیب اردوغان را در عرصه سیاسی ترکیه برآورده کند که طبیعی است در چنین حالتی، همکاری هزینه‌ساز خواهد شد. با توجه به اینکه داوودداوغلو در ترکیه چهره‌ای تئوریسین است و از تئوری‌پردازان فضای سیاسی این کشور به شمار می‌رود، بنابراین در عمل سیاسی تلاش کرده و می‌کند بتواند یک رویه مستقلی البته هماهنگ با سیاست‌ها و نگاه حزبی را از خود به نمایش بگذارد. اما به نظر می‌رسد در دو سالی که او نخست‌وزیر بوده، حزب اعتدال و توسعه تحت سلطه رجب طیب اردوغان بود. این‌طور می‌شود که داوودداوغلو چاره‌ای جز رفتن پیدا نمی‌کند. بنابراین به نظر می‌رسد این شیوه سیاسی و این نوع رفتار از سوی اردوغان باعث شده بود تا رئیس‌جمهوری و نخست‌وزیر فضایی توأم با اختلاف را تجربه کنند که درنهایت به کناره‌گیری نفر دوم از رهبری حزب منجر شد.

البته ظاهرا بدنه حزب هم با اردوغان همراه است.

بله. چند روز پیش حزب، در اقدامی تأمل‌برانگیز، مسئولیت داوودداوغلو را درباره انتخاب مسئولان شهرستان‌ها سلب کردند که همین نکته‌ای بود که داوودداوغلو را مصمم به کناره‌گیری کرد. چون او بعینه متوجه شد آینده فعالیتش به‌عنوان نخست‌وزیری چیزی نخواهد بود که با استانداردهایی که در نظر دارد، مطابق باشد و دقیقا به‌همین‌دلیل «من می‌روم تا رفقا باقی بمانند» را گفت و اعلام استعفا کرد.

اردوغان مجد است تا در کنگره آتی حزب عدالت و توسعه، اختیارات ریاست‌جمهوری را افزایش دهد. این مسئله چه تبعاتی برای حزب و البته ترکیه خواهد داشت و اصلا چنین موضوعی عملی است؟

یکی از برنامه‌های اردوغان تغییر قانون اساسی و همچنین تغییر نظام پارلمانی به ریاستی است. چنانچه او بتواند این برنامه را اجرائی کند، نقش و جایگاه اردوغان تأثیرگذارتر خواهد شد. به‌هرحال نظام ریاستی اختیارات و صلاحیت‌های قانونی‌اش را زیاد می‌کند. البته با توجه به اینکه پارلمان یکدست نیست، او برای تغییر نظام سیاسی کشورش باید رضایت احزابی مانند «حرکت ملی» و «جمهوری‌خواه خلق» را جلب کند.

اما اظهارات «کمال قلیچداراوغلو» مبنی بر کودتاخواندن استعفای داوودداوغلو، احتمال ائتلاف را محال می‌کند.

همین‌طور است و به‌همین‌دلیل بعید است حزب عدالت و توسعه برای مثال با حزب «جمهوری‌خواه خلق» هم‌صدایی را تجربه کند. به هر تقدیر، تغییر نظام پارلمانی به ریاستی دلیل اصلی کناررفتن احمد داوودداوغلو از رهبری حزب عدالت و توسعه مطرح می‌شود.

اردوغان بعد از داوودداوغلو، چطور چهره‌ای را انتخاب خواهد کرد؟

رجب طیب اردوغان به سراغ کسی خواهد رفت که دوره گذار نظام پارلمانی تا نظام ریاستی را براساس خواسته و انتظاراتش اداره کند. درحقیقت او به دنبال فردی مطیع است. هرچند درباره داوودداوغلو چنین ذهنیتی وجود داشت و او نخست‌وزیری بود که در یک سال پس از انتخابات عمدتا مشغول تحرکات مرتبط با حزب متبوعش بود و به‌همین‌دلیل مجالی نداشت تا ابتکارات سیاسی‌اش را در دستور کار دهد. در پایان لازم به ذکر این نکته است که داوودداوغلو رفتارهای اردوغان را تحمل نکرد.

پیشرفت حکومت‌داری در جهان عرب

مروان معاشر
وزیر خارجه سابق اردن

PROJECT SYNDICATE
A WORLD OF IDEAS

بررسی‌های اخیر «بنیاد کارنگی برای صلح بین‌المللی» روی صد رهبر فکری عرب نشان‌دهنده اجماع همه‌گیر بر سر چیزی است که زمینه بسیاری از مشکلات منطقه است: فقدان حکومتی قابل. درواقع این نظرسنجی‌ها روی مشکلاتی تأکید کرده‌اند (استبداد، فساد، سیستم آموزش ازرده‌خارج و بی‌کاری) که نتیجه شکست در برابر نگرانی‌های منطقه‌ای است مثل تهدید داعش یا دخالت قدرت‌های منطقه‌ای یا خارجی. اینها اطلاعات جدیدی نیستند. قیام‌های بهار عربی ناکافی‌بودن قراردادهای اجتماعی از رده‌خارج‌شده منطقه در برابر چالش‌های سیاسی و اقتصادی کنونی را نمایان کرد. بااین‌حال به نظر می‌رسد دولت‌های عربی هنوز هم پیام را نگرفته‌اند. پنج سال پس از آغاز قیام‌ها، شهروندان عرب نقش اندکی در اداره امور کشور خود دارند. علاوه‌براین، آنها به اقتصادی رانتی متکی هستند که نمی‌تواند به اندازه کافی برای جمعیت جوان و تحصیل‌کرده خود شغل ایجاد کند. شهروندان عرب با فقدان نگران‌کننده حاکمیت قانون روبه‌رو هستند که به آنها این اطمینان را نمی‌دهد که فارغ از جنسیت، قومیت یا مذهب با آنها برابر برخورد خواهد شد. اما حاکمیت ضعیف امروز به این معنا نیست که جهان عرب محکوم به شکست است. تونس، روزنه امید است. پس از انقلاب سال ۲۰۱۱، این کشور به دنبال رضایت طرفین بود، فرایندی جامع به منظور توسعه یک قرارداد اجتماعی جدید که از حقوق فردی و جمعی همه مردم حمایت کند. تونس هنوز هم با مشکلات امنیتی و اقتصادی جدی مواجه است، اما گفت‌وگوی ملی در حال برگزاری در این کشور اولین گام مهم به سمت حل‌وفصل این مشکلات است. دیگر جوامع عرب باید با هدف ایجاد اقتصاد و نهادهایی که پاسخ‌گوی نیازهای مردم باشد، چنین گفت‌وگویی را پیش بگیرند. تاریخ به ما آموخته که فرایندهای تغییردهنده زمان‌بر است. ایده‌هایی که برای مدتی طولانی سرکوب شده‌اند و انرژی‌هایی که به‌واسطه رویدادهایی مثل بهار عربی آزاد شده، باید قبل از آنکه کاملا بر جامعه اثر بگذارند، به بلوغ برسند. قیام‌های سال ۱۸۴۸ اروپا را در نظر بگیرید که در آن شهروندان علیه نظام‌های فئودالی و استبدادی و فقدان فرصت‌های اقتصادی اعتراض کردند. در پایان همان سال، نیروهای وضع موجود، موفق به بازپس‌گیری زمام قدرت شدند و به نظر می‌رسید همه آن قیام‌ها نابود شده است، اما چیزی تغییر کرده بود. تابوها شکسته شده بود و در دهه‌های بعدی، پیشرفت‌های فناوری گسترش ایده‌های جدید را ممکن کرد. زمان کوتاهی بعد از این اتفاقات بود که فئودالیسم از بین رفت، ارزش‌های لیبرال و دموکراتیک طرفدار پیدا کردند، زنان حقوق بیشتری به دست آوردند و سیستم‌هایی اقتصادی پدید آمد که می‌توانست بهره‌وری را افزایش دهد، نرخ رشد را بالا ببرد و استانداردهای زندگی را بهبود بخشد.

به‌تدریج روند مشابهی در جهان عرب اتفاق می‌افتد؛ چراکه شهروندانی (به‌ویژه جوانان) که به دولت خود اعتماد ندارند به دنبال جایگزین‌کردن اطلاعات و راه‌های جدید برای بقای اقتصادی هستند. تاکنون دولت‌ها تا حد زیادی این تغییرات را نادیده گرفته‌اند که بازتابی از قطع ارتباط آنها با شهروندان‌شان است. بااین‌حال، چشم‌پوشی از این امر به‌زودی غیرممکن خواهد شد.

همه اینها در زمانی اتفاق می‌افتد که توسعه مهم دیگری در جریان است: با توجه به کاهش شدید قیمت انرژی در دو سال گذشته، سیستم رانتی مبتنی بر نفت، به‌سرعت در حال افول است. عربستان سعودی به طور خاص مجبور شده است به سمت یک مدل اقتصادی حرکت کند که تأکید آن روی سرمایه‌گذاری و بهره‌وری به عنوان پیش‌برنده رشد اقتصادی است. کشورهای دیگر منطقه هم مجبور خواهند شد یا نظام اقتصادی خود را اصلاح کنند یا با خشم رو به رشد شهروندان خود مواجه شوند. یکی از عناصر مهم استراتژی اصلاحات اقتصادی، فناوری خواهد بود. درحال‌حاضر، ۲۴۰ میلیون عرب (اکثرا جوانان) از طریق تلفن همراه خود به اینترنت دسترسی دارند و براساس برآوردها تا سال ۲۰۲۰ همه جوانان عرب به اینترنت متصل خواهند شد. فناوری ایجاد و به‌اشتراک‌گذاری دانش را تسهیل می‌کند، آن‌هم در منطقه‌ای که در تاریخ در این زمینه عقب بوده است. این به این معنا نیست که تکنولوژی نوش‌داروی منطقه است. داعش هم از فناوری استفاده می‌کند، اما در راهی شیطانی؛ برای پخش تبلیغات مخوف و جذب اعضای جدید. اما فناوری می‌تواند به پیشرفت اجتماعی و اقتصادی جهان عرب سرعت بخشد. امروزه هیچ کشوری نمی‌تواند بدون توسعه نهادهای مؤثر و معتبر، ایجاد سیستم توازن سیاسی و کنترل روی تصمیم‌گیری رشد کند. این عناصر برای توانمندکردن کشورها در راستای ارائه زندگی باکیفیت به شهروندانشان ضروری هستند. به مرور زمان، جهان عرب همه اینها را به دست می‌آورد. درحالی‌که جامعه جهانی بر روی داعش متمرکز شده‌اند، بسیاری از اعراب به دنبال بهبود زندگی خود هستند و دولت‌های عرب باید آنها را تشویق کنند.

رویداد

حزب‌الله لبنان:

شهادت بدرالدین به دلیل حملات توپخانه‌ای تکفیری‌ها بود

● **حزب‌الله لبنان اعلام کرد:** تحقیقات ما نشان می‌دهد انفجاری که روز جمعه به شهادت «مصطفی بدرالدین»، فرمانده نظامی حزب‌الله، در نزدیکی فرودگاه دمشق منجر شد، به دلیل حمله توپخانه‌ای گروه‌های تکفیری به یکی از مقرهای حزب بود. به گزارش «ایسنا» به نقل از پایگاه خبری العهد، حزب‌الله لبنان همچنین تأکید کرد: مشخص‌شدن نتیجه تحقیقات درباره ترور بدرالدین بر عزم و اراده ما برای ادامه جنگ علیه این گروه‌های جنایتکار و شکست آنها خواهد افزود که یکی از خواسته‌ها و آرزوهای شهید بدرالدین بود. در بیانیه حزب‌الله لبنان آمده است: در هر حال جنگ ما یک جنگ واحد علیه طرح آمریکایی-صهیونیستی است که تروریست‌های تکفیری به‌مثابه نوک پیکان این طرح و خط مقدم آن در تجاوز علیه امت و مقاومت هستند. روز جمعه در مراسم تشییع پیکر شهید بدرالدین، «شیخ نعیم قاسم»، معاون دبیرکل حزب‌الله، اعلام کرده بود در ساعات آتی نتیجه تحقیقات از علت انفجاری که به شهادت بدرالدین منجر شد، اعلام می‌شود. گمانه‌زنی‌های اولیه از حمله هوایی رژیم صهیونیستی حکایت داشت. این در حالی است که دیده‌بان حقوق‌بشر سوریه مدعی شده گروه‌های مخالف مسلح فرمانده نظامی حزب‌الله در نزدیکی فرودگاه دمشق را هدف قرار نداده‌اند. رامی عبدالرحمن، مدیر دیده‌بان حقوق‌بشر دراین‌باره گفت هیچ حمله هوایی‌ای در چند روز گذشته به این منطقه صورت نگرفته است.

حمله داعش به کافه طرفداران رئال‌مادرید در عراق

● حمله نیروهای گروه «داعش» به کافه‌ای در شهر شیعه‌نشین «بلد» دست‌کم ۱۲ کشته بر جای گذاشته است. این کافه پاتوق طرفداران تیم اسپانیایی رئال‌مادرید بوده است. بنا بر گزارش‌ها سه فرد مهاجم با مسلسل در کافه الفرات، حاضران را به رگبار بستند. مهاجمان از محل گریختند و ساعتی بعد وقتی شبه‌نظامیان شیعه یکی از آنان را گیر انداختند، او خود را منفجر کرد و چهار نفر از شبه‌نظامیان شیعه را کشت. داعش در بیانیه‌ای مسئولیت حمله به شبه‌نظامیان شیعه را بر عهده گرفته، اما اشاره‌ای به کافه رئال‌مادریدی‌ها نکرده است. «خاویر تباس»، رئیس لالیگا، گفته است این حمله، حمله‌ای به فوتبال بوده است. در همین حال، مقام‌های نظامی ایالات متحده می‌گویند در مواضع و تجهیزات نیروهای داعش در رقه، پایگاه اصلی این گروه در سوریه، تغییراتی در حال ایجاد است که سخنگوی ائتلاف ضدداعش از آن با عنوان «اعلام وضعیت اضطراری» نام برده است. «استیو وارن»، سخنگوی ائتلاف بین‌المللی به رهبری آمریکا، گفت: «ما می‌دانیم که دشمن احساس خطر کرده است». وارن افزود: داعش فهمیده به پایان راه نزدیک می‌شود.

ازسرگیری مذاکرات یمن

● درحالی‌که هنوز مذاکرات صلح یمن در کویت به جایی نرسیده است، طرف‌های یمنی دیروز مذاکرات سرنوشت‌سازی را برگزار کردند. به گزارش «ایسنا» به نقل از شبکه خبری المیادین، منابع یمنی اعلام کردند فشارهای زیادی بر طرف‌های یمنی در مذاکرات کویت برای امتیازدهی و قبول راهکارهای میانه وجود دارد. این فشارها بر مسئله تشکیل دولت توافقی و کمیته امنیتی مبتنی است و از سوی کویت و کشورهای حوزه خلیج‌فارس و طرف‌های بین‌المللی صورت می‌گیرد تا گامی به جلو برداشته شود. به گفته این منابع، «اسماعیل ولد الشیخ‌احمد»، فرستاده سازمان ملل به یمن جلسه‌ای را با رؤسای هیأت‌های یمنی و معاونانشان برای بررسی نقشه راه مذاکرات برگزار خواهد کرد.

کنارگذاشتن مادورو از سوی اعضای حزبش

● تحلیلگران اطلاعاتی آمریکا می‌گویند رئیس‌جمهوری ونزوئلا پیش از آنکه دورانش تمام شود، توسط اعضای جنبش سوسیالیستش کنار گذاشته می‌شود. به گزارش آسوشیتدپرس، مقام‌های ارشد اطلاعاتی آمریکا گفتند به دلیل اینکه اوضاع اقتصادی ونزوئلا هر روز بدتر می‌شود، قدرت «نیکلا مادورو»، رئیس‌جمهوری این کشور، رو به زوال است و این احتمال وجود دارد که اعضای جنبش سوسیالیستش وی را از کار برکنار کنند. از دسامبر ۲۰۱۵، زمانی که اپوزیسیون در انتخابات پیروز شد و توانست قدرت را در پارلمان این کشور آمریکای‌لاتینی به دست بگیرد، کشور دچار تنش‌های سیاسی شده است.

تظاهرات حامیان اخوان‌المسلمین مصر علیه سیسی

● برخی ساکنان قاهره و دیگر شهرهای بزرگ مصر تظاهراتی را علیه رئیس‌جمهور این کشور به درخواست «ائتلاف حامی مشروعیت» برگزار کردند. به گزارش الجزیره، این تظاهرات در راستای تظاهرات هفتگی حامیان اخوان المسلمین با عنوان «سیسی مصر را به آتش می‌کشد» در قاهره و دیگر استان‌ها ازجمله جیزه و اسکندریه برگزار شد. تظاهرات‌کنندگان خواهان برکناری «عبدالفتاح سیسی»، رئیس‌جمهور مصر و متحدشدن «انقلابیون» و دوری از اختلافات حزبی برای مقابله با «کودتا» شدند.